



مقالات و اعلامیه های برگزیده از کار ۱۹۹ - چهارشنبه ۲۳ دی ۱۳۷۷

سرمقاله

انحلال وزارت اطلاعات!

یادداشت

شوراهای اسلامی یا نهادهای خودگردانی واقعی؟

اطلاعیه وزارت اطلاعات رژیم: قتلها کار ماست!

ثبت نام پایان یافت، تصفیهها آغاز شد
احزاب خارج از حکومت از شرکت در انتخابات شوراهای محرومند

هزاران کارگر در کرج و کاشان تظاهرات کردند

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
طراحان و سازمانگران اصلی قتلها و ((شبکه ترور)) را معرفی کنید!

هزاران نفر در مراسم چهلمین روز قتل داریوش
و پروانه فروهر در تهران تظاهرات کردند

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
از تبدیل شوراهای به ابزار حکومتی جلوگیری کنیم!

این شروط باید لغو شود!

ضرورت تعرض نیروهای آزادیخواه و اصلاح طلب

چه کسی از تحقیقات مستقل بینالمللی در هراس است؟

با کار تماس بگیرید

سرمقاله

انحلال وزارت اطلاعات!

روز ۱۶ دیماه، از سوی وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی، اطلاعیهای انتشار یافت که طی آن به دست داشتن تعدادی از مامورین امنیتی رژیم در ترورهای اخیر اعتراف شده بود. این برای اولین بار در تاریخ کشور ماست که حکومتی مجبور می‌شود، به نوعی شرکت خود و ارگان‌های وابسته‌اش در ترورها و جنایات را مورد تایید قرار دهد. این موضوع که سرخ ترورهای اخیر را باید در درون حکومت جستجو کرد، دیگر در دیده بخش بزرگی از مردم آن چنان آشکار شده بود که امکان هیچ‌گونه کتمان و سرپوشی وجود نداشت. اطلاعاتی که از درون شبکه‌های ترور، دست‌اندرکاران آن و ارتباطات آنان با رهبر و ارگان‌های رهبری پخش شد، از دید حکومتیان این خطر را پدید آورد که کل نظام را با ضربات سنگین‌تر و جدی‌تری مواجه کند. اطلاعیه وزارت اطلاعات تلاشی است برای نجات آنچه که نجات‌دانی است. کوششی است برای محدود کردن موضوع به چند مهره اجرایی این جنایت به منظور نجات مجموعه ماشین ترور دولتی و از زیر ضرب خارج کردن رهبران اصلی و به ویژه شخص ولی‌فقیه.

این اعترافات، یک پیروزی بزرگ برای نیروهای آزادی‌خواه در مبارزه علیه استبداد به شمار می‌رود. این پیروزی مردم که در سایه مبارزات و کوشش‌های همه‌جانبه آزادی‌خواهان در داخل و خارج کشور و نیروهای مخالف تروریسم صورت گرفت، بی‌شک دارای تاثیرات دامنه‌دار در فضای سیاسی کشور و عواقب جدی برای جمهوری اسلامی است.

بحث فراگیر در ایران، موضوعی که در هر کوی و برزن و در محافل مختلف در مورد آن گفتگو می‌شود، اظهارنظر پیرامون نقش وزارت اطلاعات و مسئولین مختلف رژیم در این ترورهاست. در این بحث‌ها موضوع اکنون از این که وزارت اطلاعات نباید ابزار سلیقه جناحی باشد و یا این که باید از کنترل خامنه‌ای و اعوان و انصارش خارج شود، بسی فراتر رفته است. اکنون سوالات متعددی همچون نقش عمومی، ساختار و عملکرد آن طی سال‌های گذشته، نقش این وزارتخانه در ترورها و کشتارهایی که در زندان، خارج از زندان و خارج از کشور تا کنون صورت گرفته و... ذهن‌ها را به خود مشغول داشته است. مردمی که تجربه و نمونه انحلال ساواک رژیم شاه را در خاطر دارند، موضوع ضرورت انحلال دستگاه جهمی اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی را طرح می‌کنند. بی‌جهت نیست که خامنه‌ای سراسیمه در خطبه‌های نماز جمعه به دفاع از این دستگاه ترور و سرکوب پرداخته و می‌گوید: ((تبلیغات علیه وزارت اطلاعات کمال بی‌انصافی و ظلم مسلم است و من به مسئولین، معاونین، مدیران این وزارتخانه عرض می‌کنم که مبدا روحیه خود را از دست بدهید، سنگرهایتان را محکم حفظ کنید)).

وزارت اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی اساسا در مقابله با حرکتها و اعتراض‌های بخش‌های مختلف مردم، سازمان‌ها و فعالین سیاسی مخالف، نویسندگان و هنرمندان دگراندیش و سرکوب آنان، نظام و قوام یافت. از همان اوان انقلاب ربودن و کشتن افراد، شکنجه و اعدام و زندانی کردن مخالفین توسط ((سربازان گمنام امام زمان)) در پیش گرفته شد و اندکی بعدتر به روال عادی و سیستماتیک ارگان‌های امنیتی رژیم تبدیل شد. بنیاد سازمان‌دهی این ارگان‌ها که بعدها وزارت اطلاعات را تشکیل دادند، بر ترور و ربودن و شکنجه و اعدام و به بند کشیدن و توطئه و وحشت‌آفرینی و سانسور و خودسانسوری گذاشته شده است. کیست که بتواند ادعا کند که در هر ترور و شکنجه و اعدام، مامورین وزارت اطلاعات در کار نبوده‌اند. مگر به هنگام کشتار همگانی زندانیان سیاسی تمامی این وزارتخانه و دیگر نهادهای امنیتی و انتظامی در خدمت اجرا و مخفی نگاه داشتن این جنایت عظیم و کم‌تاثیر کردن عواقب آن نبودند؟ و مگر کشتارهای اخیر حلقه‌های تازه‌ای از یک زنجیره بسیار طولی که در تمامی دوران حیات جمهوری اسلامی امتداد یافته است، را شکل نمی‌دهد؟

این دروغ بزرگی است که وزارت اطلاعات در خدمت امنیت کشور است و بدون آن سنگ بر روی سنگ بند نمی‌شود. این وزارتخانه تنها در خدمت ترور و آدم‌کشی و ایجاد خشونت و ناامنی است. این وزارتخانه لانه آدم‌کشان است و به همین دلیل باید به تمامی درهم ریخته شده و منحل گردد. اکنون که این ماشین ترور و ناامنی چنین در نزد مردم رسوا شده است، نباید اجازه داد با قربانی کردن چند مهره، کل این دستگاه جهمی از زیر ضرب خارج شود. انحلال وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی، خواست مردم ایران است.

برخی از نیروهای اصلاح‌طلب حکومت اکنون از ((اصلاحات ساختاری)) در این وزارتخانه سخن می‌گویند، اما آیا می‌شود وزارتخانه‌ای را که برای ترور و آزار شکل گرفته است، اصلاح کرد؟ اگر این نیروها آن چنان که اعلام می‌کنند خواهان آزادی و فضای باز سیاسی هستند، باید همراه مردم انحلال این دستگاه قتل و آدم‌کشی را طلب کنند.

یادداشت کار

شوراهای اسلامی یا نهادهای خودگردانی واقعی؟

بین جناح‌های رقیب در حکومت جمهوری اسلامی، بحث پیرامون شوراهای اسلامی که قرار است انتخابات آن در اسفندماه برگزار شود، بالا گرفته است: از یک سو بحث معمول و همیشگی بر سر اینکه چه کسی بر انتخابات نظارت کند و حد این نظارت‌پ چه باشد، و از سوی دیگر بحث بر سر اینکه چرا استقبال از ثبت‌نام بسیار کمتر از آن بوده است که مسئولین پیش‌بینی می‌کرده‌اند.

در این میان کسی از حکومتی‌ها نیازی نمی‌بیند بگوید واقعا حد اختیارات شوراهای اسلامی چیست. بدیهی است اگر شوراها، نهادهای خودگردانی واقعی مردم باشند، مردم از چنین نهادهایی استقبال خواهند کرد. مشخصات نهادهای واقعی خودگردانی چیست؟ این مشخصات در دو رکن خلاصه می‌شود: نخست آنکه واقعا تصمیمات تعیین‌کننده برای زندگی مردم در یک محدوده معین مانند یک شهر یا یک روستا، در حیطة اختیارات شورای محلی باشد و دوم آنکه هر کس از مردم محل بتواند خود را به رای بگذارد و به طور منفرد یا با برخورداری از حمایت احزاب و سازمان‌های سیاسی، برای انتخاب خود و برنامه‌اش تبلیغ کند. در جمهوری اسلامی هیچ یک از این دو شرط برآورده نمی‌شود.

اینکه مقامات حکومتی حرف زیادی درباره اختیارات شوراها ندارند که بزنند، طبیعی است. در جمهوری اسلامی، قدرت دولتی غنیمتی جنگی است که به دست آخوندها و اعوان و انصارشان افتاده است. تا پایین‌ترین رده‌های قدرت که مقامات و نهادهای محلی‌اند، به خواص و مهره‌های حکومت تعلق دارد. بذل و بخشش مقام، وسیله تحکیم قدرت است و این درس را صاحب منصبان جمهوری اسلامی خوب بلدند. مقام دولتی در جمهوری اسلامی قبل از آنکه مسئولیت باشد، امتیاز مادی است: پول است، اتومبیل است، وام‌های کم‌بهره یا بی‌بهره است. هر صاحب منصبی، این امتیازات را مدیون کسی است که او را گماشته و می‌داند که اگر ولی نعمتش قدرت را از دست دهد، امتیازات او نیز دیری نخواهد پایید. پس هر آنچه در توان دارد به کار می‌گیرد تا اربابش بر سر کار بماند. اما اگر اختیارات و بودجه‌ها به نهادهای واقعی خودگردانی مردم واگذار شود، این اصل پ‌بخور و بخوران‌پ قابل اجرا نیست. مقامات منتخب مردم، در مقابل مردم مسئولند و باید به مردم بگویند که مثلا با بودجه خیابان‌سازی چه کرده‌اند. در این صورت، مقام دولتی جذابیت مادی خود را تا حدی از دست می‌دهد و دیگر نمی‌توان با بذل مقام، افراد را تا این حد که اکنون هست مدیون خود کرد. هم از این رو است که حکومت‌های خودکامه اصلا علاقه‌ای به خودگردانی مردم حتی در امور محلی و تصمیماتی که به رژیم حاکم بر نمی‌خورد، ندارند. هم از این رو است که حتی شوراهای نیم‌بند اسلامی پیش‌بینی شده در قوانین جمهوری اسلامی نیز ۲۰ سال است که تشکیل نشده‌اند.

تکلیف شرط دوم یعنی آزادی انتخابات هم که معلوم است. مجلس شورای اسلامی در قانون شوراها مصوب ۱۳۷۵، شرایطی را برای عضویت در شوراها تعیین کرده است که وفاداری مطلق به ولایت فقیه و حکومت را می‌طلبد.

اکنون در جمهوری اسلامی این بحث داغ است که چه کسی باید بر رعایت شرایط مصوب قانون، نظارت کند. اما صرف‌نظر از آنکه نتیجه این بحث چه شود و هیات‌های نظارت دست بالا را بگیرند یا هیات‌های اجرایی، گماشتگان مجلس شورای اسلامی سرنوشت کاندیداها را مشخص کنند یا منصوبین وزارت کشور، واقعیت این است که بر این انتخابات جمهوری اسلامی نیز مانند رای‌گیری‌های دیگر این رژیم، شرایط غیردمکراتیک حاکم است. در جمهوری اسلامی هیچ‌کس نشان نداده است تحمل این را دارد که یک عضو شورای یک روستا کمتر از صد در صد به ولایت فقیه ((التزام عملی)) داشته باشد، اگر غیر از این است، ((اصلاح‌طلبان)) و کسانی که در حکومت خود را طرفدار آزادی می‌نامند، چرا بحث‌ها و مبارزات خود با جناح راست را بر سر شروط به شدت غیردموکراتیک قانون شوراها نمی‌برند و از آزادی عضویت همه مردم در شوراها دفاع نمی‌کنند؟ چرا همه دعوی آن‌ها با جناح رقیب بر سر این است که چه کسی تصفیه کند و دعوا بر سر این نیست که چرا باید کاندیداها تصفیه شوند؟ اگر به مضمون اختلافات دو جناح در این موضوع اشاره کنیم، واقعیت این است که جناح راست می‌گوید شوراها ((بازوان ولایت فقیه)) باشند و طرفداران دولت می‌گویند شوراها ((بازوان دولت)) باشند. در چنین شرایطی، پاسخی که مردم به فراخوان ثبت نام داده‌اند دور از انتظار نبود.

علیرغم آنکه خود قانون ناظر بر انتخاب شوراها تا این حد غیردمکراتیک است، اینکه این شرایط غیردمکراتیک با چه غلظت و شدتی اجرا شود، تعیین‌کننده میزان استقبال مردم از انتخابات شوراها خواهد بود. اگر ماجرای انتخابات اخیر خبرگان تکرار شود و منصوبین مجلس شورای اسلامی تیغ تصفیه را علیه فهرست نامزدها به کار اندازند، انتخابات با استقبال چندانی روبرو نخواهد شد. اما اگر علاوه بر ملتزمین صد در صد به ولایت خامنه‌ای در لیست کاندیداها، افراد دیگری به ویژه کسانی که دگراندیش بودن آنان بر همگان روشن است، به انتخاب گذاشته شوند، طبیعی است که مردم، این انتخابات را نیز مانند دوم خرداد به یک برآمد

مردمی تبدیل کنند. صرف اینکه بیش از ۳۰۰ هزار نفر داوطلب عضویت در شوراها شده‌اند، نشانگر آن است که مردم آماده‌اند از هر فرصتی برای دخالت فعال در تعیین سرنوشت خویش بهره جویند. تحقق امکان دوم خرداد، منوط به ایستادگی مردم و آزادی‌خواهان و نیز و به ویژه دولت خاتمی در برابر دخالت‌های گماشتگان مجلس شورای اسلامی برای ((نظارت)) بر انتخابات است. اگرچه اکنون انواع محدودیت‌ها بر انتخابات شوراها اعمال می‌شود، اما با این حال این انتخابات یک مصاف سیاسی و اجتماعی را در کشور پدید آورده است. نیروهای آزادی‌خواه موظفند تا به این مصاف سمت داده و توازن قوا را به زیان ارتجاع حاکم تغییر دهند. باید توجه داشت مبارزه واقعی در آن جا نیست که دولت خاتمی اکنون به آن مشغول است و آن کنترل بر ارگان‌های تصفیه‌کننده‌ها است. مبارزه واقعی آن جاست که با اصل تصفیه و کنترل به مخالفت برمی‌خیزد، از آزادی احزاب و سازمان‌های سیاسی در این انتخابات دفاع می‌کند، خواهان لغو قانون ارتجاعی می‌شود که از کاندیداها اطاعت محض از ولایت فقیه و تبری از سازمان‌های سیاسی را می‌خواهد. سرنوشت واقعی شوراها در این میدان است که تعیین می‌شود.

اطلاعیه وزارت اطلاعات رژیم: قتل‌ها کار ماست!

مردم دستگیری همه قاتلان و تلافی شبکه‌های ترور را می‌خواهند
قایم‌مقام وزیر اطلاعات، مشاور خامنه‌ای و فرماندهان سپاه در راس شبکه ترور بوده‌اند
مردم خواهان برکناری وزیر اطلاعات هستند
خامنه‌ای با تغییر در مدیریت وزارت اطلاعات مخالفت کرد

این روزها، زمستان ایران رنگ و بوی بهار سیاسی دارد. دستگاه مخوف وزارت اطلاعات و امنیت بازوی سرکوب رژیم در برابر خیزش ضداستبدادی مردم به زانو درآمده و زبان به اعتراف گشوده است. در ایران شهر به شهر، کوچه به کوچه، محفل به محفل، خانه به خانه، سخن از اطلاعیه اخیر وزارت اطلاعات و اعتراف رسمی آن به آدم ربایی و کشتار مخالفان حکومت جمهوری اسلامی است.

استبداد پس از هفته‌ها انکار و مقاومت در برابر اعتراضات پی‌گیر مردم علیه قتل‌های زنجیره‌ای نویسندگان و شخصیت‌های سیاسی کشور، سرانجام پاپس گذاشت و در چنان تنگنایی قرار گرفت که ناچار شد از زبان وزارت اطلاعات به قتل‌هایی که مرتکب شده است، رسماً اعتراف کند.

عصر سه‌شنبه گذشته وزارت اطلاعات و امنیت پس از نشست فوق‌العاده رهبران رژیم با صدور اطلاعیه‌ای نوشت: ((با کمال تأسف، معدودی از همکاران مسئولیت‌شناس، کج‌اندیش و خودسر این وزارت که بی‌شک آلت دست عوامل پنهان قرار گرفته و در جهت مطامع بیگانگان دست به این اعمال جنایت‌کارانه زده‌اند)). یک هفته پیش از صدور اطلاعیه وزارت اطلاعات روزنامه‌ها نوشتند گزارش کمیته تحقیق رییس‌جمهور آماده انتشار است. درگیری دو جناح بر سر این گزارش و مخالفت صریح خامنه‌ای با انتشار آن، به جایی رسید که روزنامه سلام با چاپ پخش‌هایی از گزارش، جناح مقابل و خامنه‌ای را در برابر عمل انجام شده قرار داد. چند ساعت پیش از انتشار اطلاعیه وزارت اطلاعات روزنامه سلام در یادداشتی با عنوان ((فتنه را ریشه‌یابی کنید!)) نوشت: ((زمانی که قتل‌های زنجیره‌ای اخیر یکی پس از دیگری توجه همگان را به خود جلب کرد، برای بسیاری از افرادی که سهمی هر چند کوچک در انقلاب و دل در گرو نظام داشتند، غیرقابل باور بود که افرادی از داخل مجموعه قدرت دست به چنین اقداماتی زده باشند... ولی متأسفانه علیرغم همه تلخی آن، اطلاعات موثق حاکی از آن است که کج‌اندیشانی در داخل کشور و تلخ‌تر آن که از بین کسانی که باید تامین‌کننده امنیت کشور باشند، در این جنایات دست داشته‌اند)). روزنامه سلام در این یادداشت خواستار برکناری و مجازات دری نجف‌آبادی وزیر اطلاعات شد.

چه کسانی دستگیر شده‌اند؟

در حالی که بازار حدس و گمان در مورد این موضوع که چه کسانی دستگیر شده‌اند، چه کسانی هستند، هنوز از نام و مقام دستگیرشدگان و افراد تحت‌تعقیب هیچ گزارش رسمی منتشر نشده است. در میان مردم گفته می‌شود که دامنه متهمین دم به دم افزایش می‌یابد و کسانی از دفتر خامنه‌ای، سپاه پاسداران و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی نیز دستگیر شده‌اند. در میان افرادی که دستگیر شده‌اند، از محمد شریف‌زاده معروف به پورمحمدی معاون وزیر اطلاعات، میرحاجزی عضو همکاره دفتر خامنه‌ای، باقر ذوالقدر از فرماندهان سپاه پاسداران، نقدی رییس حفاظت نیروی انتظامی، علم‌الهدی، هاشمی بازجوی فرج سرکوهی و یکی از مامورینی که وظیفه داشت نویسندگان را به قعر دره بیاندازد، صنوبری، حسین عبداللهی، دهنمکی، فرزند لاجوردی، شریعتمداری سرپرست روزنامه کیهان و عده قابل توجهی از مدیران کل و روسای دوایر وزارت اطلاعات و گروهی از اعضای سپاه پاسداران به عنوان سازمان‌گران و عاملان قتل‌های زنجیره‌ای اخیر بر سر زبان‌هاست. اما

توجه و علاقه مردم آن است که دستور دهندگان اصلی را بشناسند. انگشت اتهام هم‌چنان به سوی خامنه‌ای و رفسنجانی است. مردم می‌پرسند آن ((سه قاضی عادل)) که بنا به اطلاعیه ((فدائیان اسلام ناب محمدی)) مقتولان را غیابا محاکمه و حکم اعدام آنان را صادر کردند، چه کسانی هستند؟ نفر سوم کیست؟

پیام خاتمی به کارکنان وزارت اطلاعات
رییس جمهور که اصرار زیادی برای پایان دادن به ماجرای قتل‌های اخیر داشت و دخالت وی در صدور اطلاعیه وزارت اطلاعات تأثیر داشت، روز چهارشنبه با صدور پیامی خطاب به کارکنان وزارت اطلاعات، از آنان به ((صادق‌ترین و وفادارترین)) نیروهای انقلاب اسلامی یاد کرد. وی در پیام خود غیرمستقیم به کسانی که خواهان تغییرات ساختاری و یا انحلال وزارت اطلاعات هستند، نوشت: ((آن چه در این روزها رخ داد، نشان می‌دهد که اطلاعات زنده و بیدار است و پیکره نیرومند و سالم آن، توان آن را دارد که اگر سلول بیمار و عضو بیگانه‌ای در آن ظاهر شود با سرعت و شدت آن را دفع کند)). انحلال وزارت اطلاعات اکنون به یک خواست عمومی تبدیل شده است.

وزیر اطلاعات برکنار می‌شود؟

روزنامه سلام که به اسرار حکومتی و اخبار جناح خاتمی دسترسی دارد، روز چهارشنبه نوشت دری نجف‌آبادی وزیر مطلوب خاتمی نیست. این روزنامه به نقل از برخی نمایندگان مجلس نوشته است: خاتمی قصد دارد عزل دری نجف‌آبادی از پست وزارت اطلاعات به جهت عدم توانایی وی در حفظ امنیت کشور را دارد و ظاهراً آقای دری نجف‌آبادی دو ماه از رییس‌جمهور مهلت خواسته است)). ادامه فعالیت نجف‌آبادی ظاهراً نشانگر آن است که او فعلاً در پست خود باقی است، اما به نظر نمی‌رسد که او بتواند در وزارت باقی بماند. در محافل حکومتی از علی ربیعی سردبیر روزنامه کار و کارگر به عنوان کاندیدای این وزارت‌خانه نام برده می‌شود.

خامنه‌ای خطاب به قاتلان: سنگرهایتان را حفظ کنید!

روز جمعه گذشته، علی خامنه‌ای برای دومین بار پیاپی به نماز جمعه آمد تا نظر خود را در باره وقایع اخیر اعلام کند. سخنان خامنه‌ای، سخنانی نبود که او پیش از این در باره قتل‌ها بر زبان رانده بود. او که خود روحیه باخته بود، کوشید به سران وزارت اطلاعات روحیه بدهد و گفت: ((من به مسئولین وزارت اطلاعات، مدیران، معاونین عرض می‌کنم روحیه خود را نباید از دست بدهید.

جنگ دشمن، جنگ تبلیغاتی است. دشمن می‌خواهد باز موج ترور راه بیاندازد... این قضیه تمام نشده است. این رشته سر دراز دارد. من نمی‌توانم با توجه به تجربه خود و آشنایی با جریان‌های داخلی و خارجی بپذیریم این قتل‌هایی که اتفاق افتاد، بدون یک سنایوری خارجی باشد. چنین چیزی ممکن نیست)).

خامنه‌ای در سخنان خود افزود: یک عده‌ای هم در این جنجال چند روزه سعی می‌کنند بگویند وزارت اطلاعات شیر بی‌یال و دم و اشکمی شده و قدرت ندارد. سعی می‌کنند فضای کشور را خالی از چتر امنیتی فرض کنند، اشتباه نکنند، این انقلاب آسان به دست نیامده است. آدم‌های ماجراجو، فرصت‌طلب و بددل خیال نکنند کشور اطلاعاتی ندارد. علیه مصالح ما هر کاری بخواهند بکنند. این جور نیست، این انقلاب از همان وزارت اطلاعات برخوردار است.

و خواست و فشار دم به دم فزاینده برای آن است که ((همان وزارت اطلاعات)) دگرگون و زیر و رو شود. مردم می‌گویند این وزارت اطلاعات لانه قاتلین است و باید منحل شود. طرفداران دولت می‌خواهند که در این وزارت‌خانه تغییرات جدی به وجود آورند. حزب مشارکت اسلامی خواستار شده است که وزارت اطلاعات تغییرات ساختاری کند، دفتر تحکیم وحدت به رییس‌جمهور هشدار داده است که در برابر تغییرات مصلحت‌جویی نکند...

در توصیف روحیه حاکم بر وزارت اطلاعات، روزنامه اطلاعات بین‌المللی در شماره ۱۸ دی ماه خود در یادداشتی زیر عنوان: ((سر خَلَم می سلامت، شکند اگر سبویی)) نوشت: ((هزاران جوان علاقه‌مند به انقلاب از دیروز در غمی بزرگ فرو رفته‌اند و به قول فرشته عزیز ما احساس سرافکنندگی می‌کنند)).

ماموران جنایت‌کار رژیم تا پیش از اعتراف رژیم به جنایت سرافکننده و غمگین نبودند، غم آنان، غم شکست‌خوردگان است. آنان فرزندان آزاده ایران را به خون کشیدند تا بر دوام عمر جمهوری اسلامی بیفزایند. اما امروز جمهوری اسلامی در چشم مردم رسواتر و منفورتر از دیروز است. شادی مردم شادی پیروزی است، پیروزی بر جنایت‌کاران که هر چند هنوز به نتیجه نرسیده، اما ضربه‌ای گران بر آن وارد آورده است. مردم امید به رسیدن آن روزی دارند که شعار بدهند:

به کوری چشم رژیم، زمستان هم بهاره!

ثبت‌نام پایان یافت، تصفیه‌ها آغاز شد احزاب خارج از حکومت از شرکت در انتخابات شوراها محرومند

مهلت ثبت‌نام کاندیداهای شوراهای شهر و روستا در روز ۱۳ دی ماه پایان یافت. مطابق آمارهای رسمی وزارت کشور، ۳۳۳ هزار و ۹۴۶ نفر برای عضویت در شوراها ثبت‌نام کرده‌اند که تنها ۷۲۵۱ نفر آنان زن هستند. بنابه این آمار، تعداد اعضای شوراها در روستاها ۱۱۶۸۷۹ نفر است و ۲۶۷۹۲۸ نفر ثبت‌نام کرده‌اند. با این حال در بسیاری از مناطق روستایی، تعداد داوطلبان به تعداد مورد نیاز نمی‌رسد. در میان داوطلبین نام چند نفر از شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی غیروابسته به حکومت نیز به چشم می‌خورد. در حالی که با پایان مهلت ثبت‌نام، کار بررسی صلاحیت کاندیداها آغاز شده است، هنوز ائتلاف طرفداران دولت و مجلس بر سر این موضوع که چه ارگانی باید صلاحیت داوطلبان را بررسی و آن‌ها را تصفیه کند، به شدت ادامه دارد. دولت و وزارت کشور، هیات‌های اجرایی را که کنترل آن‌ها را در دست دارند، مسئول بررسی صلاحیت‌ها می‌دانند و مجلس و طرفداران جناح راست می‌گویند بررسی صلاحیت‌ها باید در اختیار هیات‌های نظارت باشد که کنترل آن‌ها در دست جناح راست است.

طرح تغییر قانون انتخابات در دستور مجلس قرار گرفت
اکثریت مجلس با هدف تامین کنترل بیشتر خود بر انتخابات طرح تغییر قانون انتخابات شوراها را با شتاب به مجلس برد تا نظارت بر انتخابات را به دست هیات‌های نظارت بسپارد و آن را به یک نظارت استصوابی تبدیل کند. طرح جناح راست، از روز ۱۵ دی ماه در دستور کار مجلس قرار گرفت. نمایندگان طرفدار دولت پیشنهاد دادند که این طرح به مدت ۶ ماه مسکوت بماند که رای نیاورد، اما مجلس هنوز تغییرات مورد نیاز جناح راست را نیز تصویب نکرده است.

انتخابات تهران، هدف اصلی درگیری‌هاست
اوج اختلافات دو جناح بر انتخابات تهران متمرکز است. هیات نظارت تهران، هیات معتمدینی را که از سوی فرمانداری تهران معرفی شد نپذیرفت و آن را ((جناحی)) خواند و طرفداران دولت مجبور شدند چند نفر از افراد پیشنهادی خود را تغییر دهند و ترکیب این هیات را معتدل‌تر کنند. طرفداران دولت نیز متقابلاً هیات‌های نظارت استان تهران را که از سوی هیات نظارت مرکزی تشکیل شده‌اند، غیرقانونی خوانده‌اند. مجید انصاری، یکی از سه عضو هیات نظارت استان تهران، اعلام کرده است کلیه هیات‌های نظارتی که در شهرستان‌های این استان تشکیل شده‌اند و همه تصمیمات آن‌ها، غیرقانونی هستند و این هیات‌ها باید از نو تشکیل شوند. دو عضو دیگر این هیات از هیات مرکزی نظارت خواسته‌اند ((به تلاش‌های آقای انصاری برای به بن بست کشیدن انتخابات استان تهران و ایجاد بحران)) پایان دهد.

دو جناح در برابر هم صف می‌بندند
در حالی که هیچ کدام از جناح‌های حکومتی، به احزاب و سازمان‌های بیرون از حکومت اجازه نداده‌اند در این انتخابات شرکت کنند، خود در برابر یک دیگر به صف‌آرایی پرداخته‌اند. طرفداران دولت یک ائتلاف بزرگ متشکل از ۱۶ حزب و انجمن تشکیل داده‌اند که عبارتند از: مجمع روحانیون مبارز، حزب کارگزاران سازندگی ایران، حزب مشارکت اسلامی ایران، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، انجمن اسلامی مهندسان، انجمن اسلامی معلمان، مجمع مدرسین حوزه علمیه قم، انجمن اسلامی جامعه پزشکی، مجمع حزب‌الله مجلس، مجمع نیروهای خط امام، حزب همبستگی اسلامی ایران، انجمن اسلامی فارغ‌التحصیلان شبه قاره هند، مجمع نمایندگان ادوار مختلف، خانه کارگر، دفتر تحکیم وحدت، انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها.

از سوی دیگر حبیب‌الله عسکراولادی دبیرکل جمعیت مولفه اسلامی اعلام کرد، ائتلاف بزرگ راهیان خط امام و رهبری تشکیل شده و به زودی فهرست نامزدهای خود را برای انتخابات شوراها معرفی خواهد کرد. به گفته عسکراولادی بیش از ده گروه اسلامی در این ائتلاف که وابسته به جناح راست است، شرکت دارند.

هزاران کارگر در کرج و کاشان تظاهرات کردند تحصن کارگران کارخانه جهان چیت ادامه دارد شورای تامین امنیت کاشان کارگران را تهدید به سرکوب کرد

در ماههای اخیر با افزایش فشار اقتصادی و به تعویق افتادن دستمزد کارگران، واحدهای صنعتی و خدماتی در شهرهای مختلف کشور صحنه تظاهرات و اعتصابات کارگری بود. بر اساس گزارش‌های رسیده در برخی از واحدهای تولیدی مثل کارخانه جهان چیت کرج با ۲ هزار کارگر و کارگران کارخانه‌های کاشان حرکات اعتراضی و اعتصاب کارگران ادامه دارد.

در کارخانه جهان چیت کرج کارگران از سه هفته پیش در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهایشان در اعتصاب به سر می‌برند. در این کارخانجات دستمزد کارگران در ماههای آبان و آذر پرداخت نشده و مسئولان محلی بارها وعده داده‌اند که به درخواست کارگران رسیدگی کنند اما تاکنون هیچ‌گونه اقدامی برای تامین مطالبات آنان نکرده‌اند.

بی‌توجهی مدیران جهان چیت و فرمانداری کرج به خواست کارگران باعث شد که آنان برای رسیدن به دستمزدهای به تعویق افتاده‌شان در مقابل کارخانه و فرمانداری شهر دست به تظاهرات بزنند. روز چهارشنبه دوم دی‌ماه بیش از ۵۰۰ نفر از کارگران با اجتماعی در برابر ساختمان کارخانه به مدیران آن اعلام کردند تا زمانی که دستمزدهایشان پرداخت نشود به تظاهرات و تحصن ادامه خواهند داد. کارگران بر روی پلاکاردهایی که حمل می‌کردند مطالباتشان را نوشته بودند. با دخالت کمالی فرماندار کرج و دادن قول مساعد، آنان روز کارگران پراکنده شدند.

کارخانه جهان چیت چندین دهه یکی از کارخانه‌های پر رونق بود. اکنون به علت سیاست نادرست مدیران به حالت تعطیلی درآمده است. به گفته کارگران از سه ماه پیش مواد اولیه کارخانه تمام شده و سال‌هاست که بن کارگری را قطع کرده‌اند، حقوق کارگران به تعویق افتاده و ۲ هزار کارگر کارخانه بلامتکلیف مانده‌اند و هر روز برابر ساختمان کارخانه اجتماع می‌کنند تا کسی به درخواست آنان رسیدگی کند. ماموران سپاه بارها به زور اسلحه آنان را پراکنده کرده‌اند اما کارگران تصمیم گرفته‌اند به اجتماع روزانه خود در برابر ساختمان کارخانه همچنان ادامه بدهند.

تظاهرات کارگران کاشان

در کاشان کارگران با تظاهرات گسترده و بسیج مردم به حمایت از خواسته‌هایشان سرانجام سازمان تامین اجتماعی را عقب نشانند و مدیر عامل این سازمان رسماً در مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد مصوبه مجلس شورای اسلامی مبنی بر واگذاری بیمارستانهای دولتی وابسته به سازمان تامین اجتماعی به بخش خصوصی را به تعلیق درآورده است.

بر اساس مصوبه مجلس قرار است ۷ بیمارستان وابسته به تامین اجتماعی که از محل درآمد کارگران ایجاد شده به بخش خصوصی واگذار شود. بیمارستان ۴۲۰ تختخوابی کاشان یکی از بیمارستانهایی است که دولت قصد دارد به بخش خصوصی واگذار کند. کارگران و بازنشستگان تابع سازمان تامین اجتماعی با این اقدام مخالفاند. آنان به مدت چهار روز، سه شنبه تا جمعه گذشته در کارخانجات، واحدهای خدماتی و خیابانهای کاشان برای جلوگیری از واگذاری بیمارستان ۴۲۰ تختخوابی ((بهشتی)) تظاهرات گسترده‌ای به راه انداختند. هزاران کارگر با اجتماعی در محل برگزاری نماز جمعه، تجمع در برابر فرمانداری کاشان و راه‌پیمایی در خیابانها سرانجام موفق شدند دولت را وادار کنند در طرح واگذاری این بیمارستان تجدید نظر کند. روز چهارشنبه ۱۶ دی دکتر ستاری مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی در مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد بیمارستانهای تحت پوشش این سازمان بدون تامین جایگزین مناسب، فروخته یا واگذار خواهد شد.

مسئولان تامین اجتماعی اگرچه در برابر اعتراضات گسترده کارگران عقب نشستند اما برخورد شورای تامین امنیت شهر کاشان و پاسداران نشان می‌دهد که آنان موقتاً برای فرونشاندن اعتراضات کارگران به خواست‌شان تمکین کرده‌اند و در انتظار فرصت مناسب برای واگذاری این بیمارستان به بخش خصوصی هستند. شورای تامین شهر با صدور اطلاعیه‌ای کارگران را تهدید به سرکوب کرده و از آنان خواسته است از هرگونه تجمع و راه‌پیمایی در سطح شهر خودداری کنند.

از اصفهان نیز گزارش می‌رسد حدود ۱۵۰ تن از کارگران شرکت ماشین‌های زاینده‌رود در برابر سازمان آب منطقه‌ای اصفهان گرد آمدند و نسبت به اخراجشان اعتراض نمودند. کارگران می‌گویند آنها قربانی سیاست تعدیل شده‌اند.

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) طراحان و سازمان‌گران اصلی قتل‌ها و ((شبکه ترور)) را معرفی کنید!

بر اثر مبارزه یک‌پارچه و بی‌وقفه نیروهای آزادی‌خواه در داخل و خارج از کشور، وزارت اطلاعات سرانجام بعد از گذشت چند هفته از کشتار رهبران سیاسی و نویسندگان کشور، با انتشار اطلاعیه‌ای اعتراف کرد که ((قتل‌های نفرت‌انگیز)) اخیر در تهران نه توسط ((عوامل خارجی)) که تاکنون در سخنرانی‌ها و اظهارات متعدد بخشی از سران حکومت اسلامی ادعا شده است، بلکه به دست شبکه‌ای در درون حکومت اسلامی از جمله ((همکاران مسئولیت ناشناس، کج‌اندیش و خودسر وزارت اطلاعات)) صورت گرفته است. اطلاعیه وزارت اطلاعات، قاتلین و ((شبکه ترور)) را معرفی نکرده است.

اطلاعیه وزارت اطلاعات در عین اعتراف به شرکت عوامل درون حکومت اسلامی در قتل‌ها کوشیده است نقش وزارت اطلاعات را در این قتل‌ها کتمان کند و دستوردهندگان و طراحان این جنایات و سازمان‌دهندگان شبکه ترور را که در راس حکومت حامی دارند، از زیر ضربه خارج کند. در حالی که بر اثر افشاکاری عواملی از درون رژیم که به خارج از کشور فرار کرده‌اند، نقش بخشی از سران حکومت و به ویژه نقش خامنه‌ای در قتل‌های اخیر روز به روز روشن‌تر می‌شود.

نیروهای آزادی‌خواه!

اعتراف وزارت اطلاعات نه به دلخواه آن وزارت‌خانه که بارها به جنایاتی نظیر کشتارهای اخیر دست زده و آن‌ها را به ((اختلافات درون‌گروهی)) و ((عوامل خارجی)) نسبت داده است، بلکه در پرتو مبارزه گسترده نیروهای آزادی‌خواه ایران صورت گرفته است. اما این اطلاعیه تنها به مجریان قتل‌ها اشاره کرده است. فعلا نوک ((کوه یخ)) هویدا شده است. تلاش آن‌ها بر این است که ((کوه یخ)) را همچنان پنهان نگاه دارند. به همین خاطر باید مبارزه علیه ترور و تروریست‌ها را بی‌وقفه ادامه داد و حکومت را مجبور کرد:

- اسامی تمامی قاتلین و عناصر ((شبکه ترور)) را اعلام کند؛
- دادگاه قاتلین را به طور علنی و با حضور هیات‌های بین‌المللی و خبرنگاران داخلی و خارجی برگزار کند؛
- گزارش ((کمیتة ویژه تحقیق رئیس‌جمهوری)) را به طور کامل منتشر نماید؛
- دری نجف‌آبادی وزیر اطلاعات، یزدی رئیس قوه قضاییه، صفوی فرمانده سپاه پاسداران، نقدی رئیس بخش حفاظت نیروهای انتظامی و تمامی فرماندهان امنیتی و نظامی که علیه مردم شمشیر از رو بسته‌اند را برکنار کند.

شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

۱۶ دی ماه ۱۳۷۷

هزاران نفر در مراسم چهلمین روز

قتل داریوش و پروانه فروهر در تهران تظاهرات کردند

هزاران تن از مردم تهران با اجتماع در مسجد فخرالدوله و خیابان‌های اطراف آن، مراسم چهلمین روز قتل داریوش و پروانه فروهر را با شعارهای ((مرگ بر استبداد!)) و ((زنده باد آزادی!)) به صحنه تظاهرات ضدحکومتی تبدیل کردند.

وزارت کشور برگزاری مراسم را بین ساعت ۳ تا ۵ بعداز ظهر محدود کرده و چند صد نفر پلیس ضدشورش به محل اعزام شده بودند تا از پیامدهای اجتماع مردم در مسجد فخرالدوله جلوگیری کنند. علی‌رغم حضور ماموران انتظامی و اجازه رسمی برای برگزاری مراسم، انصار حزب‌الله به مردم حمله کردند و به ضرب و شتم آنان پرداختند. ماموران انتظامی، هنگامی که انصار حزب‌الله به مردم یورش بردند، نه تنها دخالت نکردند، بلکه تعدادی از شرکت کنندگان را دستگیر کردند.

در این مراسم مهندس بهرام نمازی، حجت‌الاسلام احتشام و پرستو فروهر سخنرانی کردند. سخنرانی پرشور بهرام نمازی یکی از اعضای قدیمی حزب ملت ایران و یار دیرین داریوش فروهر بارها و بارها با شعارهای پرشور جمعیت تأیید شد. نمازی در بخشی از سخنان خود گفت: ((اقدام جنایت‌کاران در به شهادت رساندن هم‌رزم داریوش فروهر و هم‌رزم پروانه فروهر و شهید مختاری و شهید پوینده و دیگر جنایت‌هایی از این دست، با آگاهی، هماهنگی و همکاری بخشی از سازمان اطلاعاتی و امنیتی و حراستی کشور انجام شده است)). پس از نمازی و احتشام، پرستو فروهر سخنرانی کرد و در پایان از مردم خواست همراه وی با شمع‌های فروزان به سوی خانه داریوش و پروانه فروهر بروند. جمعیت در حالی که شعار ((مرگ بر استبداد!))، ((زنده باد فروهر!))، ((زنده باد مصدق!)) می‌داد به سمت خیابان هدایت و منزل فروهرها حرکت کردند. در نیمه راه و در اطراف منزل، انصار حزب‌الله با راه‌پیمایان درگیر شدند و ده‌ها نفر را مجروح کردند.

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

آزادی خواهان کشور را به شرکت در انتخابات شوراها فرامی خوانیم! از تبدیل شوراها به ابزار حکومتی جلوگیری کنیم!

اسفند ماه امسال انتخابات شوراها برگزار می شود. انتخابات شوراها برای مردم و نیروهای آزادی خواه کشور دارای اهمیت است. شوراهای واقعی می توانند امکان شرکت مردم در تصمیم گیری های مربوط به مسایل محلی و منطقه ای را فراهم سازند، به تجربه مردم در امور کشور بیفزایند و امکان اعمال اراده از پایین توسط مردم را فراهم آورند.

انتخابات شوراها در شرایطی برگزار می شود که جمهوری اسلامی همانند موارد قبلی، امکان شرکت احزاب سیاسی اپوزیسیون در انتخابات را سلب کرده است. بدون شرکت احزاب سیاسی که منافع و خواست های بخش مهمی از گروه های اجتماعی را بازتاب می دهند، انتخابات دموکراتیک نخواهد بود. حکومت اسلامی می خواهد شوراها را به انحصار نیروهای خود درآورد.

مزید بر این علت، جناح حاکم که موفق نشد جلو برگزاری انتخابات را بگیرد و یا زمان برگزاری آن را به عقب بیناندازد، در تدارک آن است که نگذارد در انتخابات شوراها اراده ای شکل بگیرد که قدرت آن را به بیشتر تهدید کند. جناح سرکوبگر بر هیات نظارت مرکزی و هیات های عالی نظارت چنگ انداخته و می خواهد با اعمال ((نظارت استصوابی))، در تمام مراحل انتخابات دخالت کرده و کاندیداهای مورد نظر خود را از صندوقها بیورد.

مردم ایران و نیروهای آزادی خواه کشور!

حکومت اسلامی تنها وظیفه برگزاری انتخابات شوراها را برعهده دارد. نباید گذاشت که حکومت و جناح های درون آن در انتخابات اعمال نفوذ کرده و شوراها را به ابزار حکومتی تبدیل کنند. تنها شوراهای مستقل، با قدرت و دارای حقوق و اختیارات کافی می توانند خواست های مردم را متحقق سازند.

انتخابات شوراها یکی از عرصه های مهم پیکار نیروهای آزادی خواه کشور با نیروهای ارتجاعی است. ما علیرغم اعتراض به سلب امکان شرکت احزاب سیاسی اپوزیسیون، نیروهای آزادی خواه و مردم را فرا می خوانیم که برای کاندیداتوری ثبت نام و در انتخابات شوراها شرکت کنند و همانند انتخابات دوم خرداد، اراده یکپارچه خود را نشان داده و نگذارند که شوراها به زایده □ ارگان های حکومتی تبدیل شوند و تلاش ارتجاع برای سیطره بر شوراها تحقق یابد. باید کوشید که انتخابات شوراها نسبت به انتخابات دوم خرداد ماه، گامی به پیش در شرکت موثر مردم در مبارزه برای آزادی باشد.

شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

۹ دی ماه ۱۳۷۷

این شروط باید لغو شود!

نخستین گام برای آن که انتخابات شوراها واقعی و شوراها، شوراهای مردمی و ارگان های مستقیم خود مردم باشند، حذف کلیه قید و بندهایی است که قانون شوراهای مصوب مجلس، برای وابسته کردن شوراها و اعضای آنها به حکومت و ولایت فقیه تصویب کرده است. این قید و بندها چنین است:

- اعتقاد و التزام عملی به اسلام و ولایت مطلقه فقیه
 - ابراز وفاداری به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
 - عدم وابستگی تشکیلاتی به احزاب، سازمان ها و "گروهک های غیرقانونی"
 - عدم محکومیت به جرم اقدام بر ضد جمهوری اسلامی
 - عدم محکومیت به جرم ارتداد
 - عدم محکومیت به حدود شرعی
- همه این شروط ارتجاعی باید لغو شوند.

برای عضویت در شوراها سواد خواندن و نوشتن، ۲۵ سال سن و یک سال اقامت در حوزه انتخابیه کافی است!

چه کسی از تحقیقات مستقل بین‌المللی در هراس است؟

تقاضای بازماندگان خانواده شهدای جنایات اخیر، احزاب و سازمان‌های اپوزیسیون و جامعه جهانی برای اعزام یک گروه تحقیق بین‌المللی به ایران برای بررسی جنایات تازه حکومت و همچنین اعلام آمادگی سازمان‌های حقوق بشر برای فرستادن نمایندگان خود به ایران، مقامات رژیم را به واکنش واداشته است. نخستین بار آیت‌الله یزدی رییس قوه قضاییه به این خواست ملی اشاره کرده و آن را رد کرد و سپس وزارت خارجه جمهوری اسلامی با انتشار بیانیه‌ای مخالفت دولت با اعزام گروه تحقیق را اعلام نمود. هم قوه قضاییه و هم دولت، اعزام چنین هیاتی را ((دخالت در امور داخلی ایران)) نامیدند. روزنامه‌های هر دو جناح حکومت، هر چند با بیان‌های متفاوت، اما با استدلال‌های واحد از این تصمیم قوه قضاییه و دولت دفاع می‌کنند.

روزنامه‌های وابسته به دولت، هر چند به بی‌صلاحیتی و غرض‌ورزی قوه قضاییه در رسیدگی به این پرونده و بی‌اعتباری عظیم آن در میان مردم، اعتراف می‌کنند، اما حاضر به پذیرش تحقیقات یک گروه بی‌طرف بین‌المللی نیستند. روزنامه صبح امروز در سرمقاله ۶ دی‌ماه خود نوشت: ((اینگونه نظارت‌ها و دخالت‌های بین‌المللی ممکن است در کوتاه‌مدت فشار جناح‌های خشونت‌گرا و انحصارطلب را بر اهل فکر کاهش دهد، اما در بلند مدت موجب مخدوش شدن حاکمیت ملی کشور خواهد گردید)). صبح امروز البته اذعان دارد که ((عملکرد غلط قوه قضائیه و برخی از نهادهای امنیتی - نظامی باعث شده است که این مراکز از نظر اعتبار به پایین‌ترین وضعیت متصور سقوط نمایند... طبیعی است در چنین وضعیتی ادعاهای آنها مبنی بر پیگیری مسائل چندان برای افکار عمومی و جریان‌های بین‌المللی مورد قبول قرار نمی‌گیرد)). اما این روزنامه نزدیک به خاتمی مدعی است دولت، به جای قوه قضائیه و نهادهای امنیتی و نظامی مزبور، ماجرا را پیگیری می‌کند و از این رو احتیاجی به تحقیقات مستقل نیست. به نوشته صبح امروز، اگر هم نیازی به تحقیقات مستقل باشد، باید ((گروهی از اصحاب معتبر مطبوعات را که از نظر گرایشها و تمایلات فکری و سیاسی به جریان‌های مختلفی تعلق دارند... انتخاب کرده و آنها را به عنوان گروه حقیقت‌یاب طرح نماییم)).

بر این استدلال طرفداران خاتمی، چندین ایراد وارد است:

نخست اینکه حقوق بشر و به طریق اولی حق زندگی که جمهوری اسلامی در مورد ده‌ها هزار تن از مخالفان خود پایمال کرده است، مسئله داخلی بشریت است و نه مسئله داخلی این یا آن کشور. اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان و از جمله ایران، معاهده‌ها و منشورهای بین‌المللی در مورد حقوق بشر را امضا کرده و در برابر کل بشریت متعهد به اجرای آن هستند. نهادهای بین‌المللی نظارت بر اجرای این تعهد، عبارتند از کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل (که جمهوری اسلامی در اصل منکر صلاحیت آن نیست)، نهادهای جدیدی مانند دادگاه بین‌المللی رسیدگی به جنایات علیه بشریت و نیز سازمان‌های غیردولتی از قبیل سازمان عفو بین‌الملل. در سال‌های اخیر، سازمان ملل متحد حضور و فعالیت سازمان‌های غیردولتی را به عنوان بخشی از جامعه جهانی پذیرفته و از آن حمایت می‌کند. کسی از نظارت و تحقیقات چنین نهادهایی در هراس است که ریگی به کفش داشته باشد. این افسانه را که مثلا سازمان عفو بین‌الملل در خدمت منافع این یا آن کشور است (بهانه همیشگی جمهوری اسلامی) دیگر کسی باور نمی‌کند.

دوم اینکه به اعتراف خود روزنامه صبح امروز، قوه قضائیه و نهادهای امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی بی‌اعتبارند و در چنین شرایطی، موازین بین‌المللی به شهروندان ایرانی حق می‌دهد که از نهادهای بین‌المللی دادخواهی کنند.

سوم اینکه ادعای پیگیری همه موارد نقض حقوق بشر و ترورها توسط دولت خاتمی، نه عملی و نه باورکردنی است. کسانی که از جامعه مدنی صحبت می‌کنند، نمی‌توانند و نباید مدافع دخالت دولت در امور قضایی کشور باشند. اما حتی اگر از این ایراد حقوقی نیز بگذریم مساله این جاست که اعتماد به حکومت ایران برای پیگیری جنایاتی که در ایران اتفاق می‌افتد وجود ندارد. این بی‌اعتمادی کاملا واقعی است. اکنون یک سال و نیم از تشکیل دولت آقای خاتمی می‌گذرد و هنوز هم سخنی در باره پرونده ده‌ها قتل و جنایت در کشور به زبان نیامده است. به عنوان نمونه می‌توان به قتل دکتر سامی، شمس‌الدین میرعلایی، سعیدی سیرجانی، احسان طبری، غفار حسینی، ابراهیم زال‌زاده و ده‌ها تن دیگر در ایران و شاپور بختیار، عبدالرحمن برومند، عبدالرحمان قاسملو، دکتر کاظم رجوی، فریدون فرخزاد، غلام کشاورز، دکتر شرفکندی و یارانش در خارج از کشور و بالاخره فاجعه ملی در زندان‌های ایران که به اعدام جنایتکارانه هزاران نفر منجر شد، اشاره کرد. هنوز هم از سرنوشت علی توسلی، پیروز دوانی و ده‌ها زندانی سیاسی دیگر اطلاعی در دست نیست و تنها اخباری که از سرنوشت این زندانیان به گوش می‌رسد، اخبار نگران کننده است.

واقعیت این است که وکلا، روزنامه‌نگاران و سایر آزادی‌خواهان و دوست‌داران حقوق بشر در ایران، به دلیل وجود استبداد قادر نیستند آزادانه و بدون فشار و تهدیدهای ارگان‌های سرکوب به تحقیقات بی‌طرفانه دست بزنند و سردمداران جنایت را، که قدرت در دست آن‌هاست، به مردم معرفی کنند. گویی نگارنده مقاله صبح امروز که پیشنهاد می‌کند روزنامه‌نگاران ایرانی خود به تحقیق مستقل بپردازند، در کشور دیگری زندگی

می‌کند! کشوری که نه رهبری دارد که همین چندی پیش به دولت ایراد گرفت چرا قلم‌ها را نمی‌شکند، نه فرمانده سپاهی دارد که سخن از گردن زدن و زبان بریدن می‌کند و نه وزارت اطلاعاتی که کارش آدم‌کشی است. حق مسلم مردم ایران و اپوزیسیون آزادیخواه ایران است که از نهادهای بین‌المللی دادخواهی کنند. دیگر حنای دلسوزی‌های دروغین برای حاکمیت ملی رنگی ندارد. حاکمیت ملی از تحقیقات پیرامون ترورها آسیبی نمی‌بیند، آن چه از این رهگذر آسیب می‌بیند، استبداد و حکومت ترور است.

ضرورت تعرض نیروهای آزادیخواه و اصلاح‌طلب

صحنه سیاسی کشور بعد از جنایت‌های اخیر سیاسی و افشا نقش وزارت اطلاعات در این قتل‌ها، تغییر یافته است. جبهه نیروهای ارتجاعی که از اواخر سال گذشته دست به تعرض هماهنگ زده و به موفقیت‌هایی نیز رسیده بود، اکنون یکبار دیگر همچون دوره بلافاصله پس از دوم خرداد، در حالت گیج‌سری و خودباختگی قرار گرفته است. در مقابل، جنبش آزادیخواهانه مردم بار دیگر شاهد ثمره مقاومت خود شده و احساس قوت بیشتری می‌کند و اصلاح‌طلبان حکومت هم پس از مدتها عقب‌نشینی و مماشات، اکنون خود را در موقعیت بهتری می‌یابند.

در دوره پس از انتخابات دوم خرداد، نظر به شکست سنگینی که جبهه ((مذاب در ولایت فقیه)) از مردم خورده بود، مافیای قدرت هنوز یارای آن را نداشت که جلوی افزایش روزنامه‌ها و نشریات مستقل، و گسترش گردهمایی‌ها و تظاهرات متعدد دانشجویی را بگیرد. در این دوره بر حضور نویسندگان و روزنامه‌نگاران مستقل در مطبوعات افزوده شد و افشا ماهیت و عملکرد جبهه ارتجاع حاکم، باعث آگاهی بیشتر مردم از روندهای سیاسی کشور و نحوه عمل و ساختار قدرت جبهه ارتجاع گردید. در این دوره زمانی، هر ترفند و توطئه نیروهای ارتجاعی علیه جنبش آزادیخواهانه مردم و حتی اصلاح‌طلبان حکومتی به سرعت به ضد خود بدل شد و موجب رسوایی و انزوای فزونی آنها در جامعه گردید.

اما مافیای بازار - روحانیت که ارگان‌های قدرت و نهادهای قدرتمند اقتصادی را در چنگ خود داشت، پس از مدتی خود را جمع و جور کرد و برای تعرض به جنبش آزادیخواهانه در کشور و اصلاح‌طلبان حکومتی، نقشه و تاکتیک‌های هدفمندی را تدوین و به اجرا گذاشت. مطابق این نقشه، نخستین خاکریزهایی که می‌بایست تسخیر می‌شد، روزنامه‌ها و مطبوعات مستقل و منتقد و تعرض به آن مواضع و افرادی از دولت اصلاح‌طلب آقای خاتمی بود که آشکارا در برابر جبهه راست حاکم ایستادگی می‌کرد. این نقشه، یکی از ارکان اصلی تحقق خود را بر روحیه مماشات و تسلیم‌طلبی در دولت قرار داد و حقیقت آنست که بسیاری از موفقیت‌های اولیه خود را هم مدیون عقب‌نشینی‌های دولت و عدم مراجعه آقای خاتمی به مردم بود. قدرت حاکم با استفاده از حربه قدرت چماق و در همان حال با اتکا به ارگان‌های قدرت چون رهبری، مجلس خبرگان، مجلس شورای اسلامی، قوه قضائیه، شورای نگهبان، بنیادها، حوزه مدرسین و غیره و غیره، حربه قانون‌گرایی آقای خاتمی را در دست گرفت و به سود مقاصد خود بکار انداخت.

اما گسترش روحیه مقاومت جامعه در برابر ارتجاع حاکم چنان بود و هست که ارتجاع در وحشت از آینده خود، اجرای سیاست خشن ترور سمبل‌های آزادیخواهی را زودتر از موعد به اجرا گذاشت و حکم اعدام و شکنجه فروورها، مجید شریف، محمد مختاری و پوپنده را صادر کرد. این خشونت، ولی با چنان واکنش خشمگینانه مردم روبرو شد که فضای سیاسی در کشور را متحول کرد و معادلات قدرت در حکومت را بهم ریخت. برآمد مردمی در مراسم تشییع جنازه فروورها و مختاری، تظاهرات اپوزیسیون در خارج کشور، وضعیتی را پدید آورد تا آقای خاتمی بالاخره تصمیم بگیرد که دیگر بیش از این کوتاه نیاید و دستکم در موضوع قتل‌های اخیر موضع قاطعی اتخاذ کند. انطباق تصمیم دولت با خواست عمومی جامعه، منجر به تحول در صحنه سیاسی کشور شد.

اکنون نیروهای ارتجاعی ابتکار عمل را از دست داده و در موضع تدافعی قرار گرفته‌اند. تحولات اخیر، یک امتیاز دیگر هم داشت و آن افشای بیشتر مواضع و نقشه‌های هاشمی رفسنجانی است که تنها و تنها به حفظ نظام و ارتقا مقام خود در این نظام می‌اندیشد و آماده ساخت و پاخت با هر جریانی به زیان روندهای دموکراتیک در کشور است. اینک شرایط مساعدتری برای تعرض نیروهای آزادیخواه فراهم آمده است.

در وضعیت کنونی، همان امری در دستور روز قرار دارد که پس از دوم خرداد، و اینکه با حدت و شدت بمراتب بیشتر: شکل‌گیری تشکل‌های صنفی و سیاسی مستقل و دموکراتیک و حضور دانشجویان، ایستادگی تحسین‌برانگیز هنرمندان و نویسندگان داخل کشور، و بموازات آن واکنش جامعه بین‌المللی و حرکت وسیع و فعالیت نیروهای سیاسی اپوزیسیون، و تحکیم موقعیت مطبوعات مستقل و منتقد.

هم جنبش آزادیخواهانه در کشور هم ارتجاع فقهاتی دیروقتی است که تصمیم خود را گرفته‌اند. تصمیم‌گیرنده امروز، نیروهای اصلاح‌طلب حکومتی است که باید از همین تجربه یکسال گذشته بیاموزند و بخواهند که با اتکا به مردم، قاطعانه در برابر کسانی که مخالف ((یک کشور - یک دولت هستند)) مقاومت کرده و اجرای قانون را قبل از همه در مهار خودسری‌های قوه قضائیه، وزارت اطلاعات، صدا و سیما، شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی و بر بالای همه اینها دستگاه ولایت فقیه تفسیر کنند.



با کار تماس بگیرید

شماره فاکس : 0049 - 221 - 331 82 90

شماره تلفن : 0049 - 221 - 932 21 36

آدرس کار در اینترنت : <http://www.geocities.com/CapitolHill/2902/>

آدرس پست الکترونیکی : fadai.aksariyat@magnet.at

I.G.e.v : آدرس پستی

Postfach 260268

50515 Köln

Germany

تک فروشی : معادل ۴ مارک آلمان

بهای اشتراک :

اروپا : شش ماه ۵۵ مارک ، یک ساله ۱۰۲ مارک

سایر کشورها : شش ماهه ۶۲ مارک ، یک ساله ۱۱۵ مارک

فرم درخواست اشتراک نشریه کار

اشتراک جدید تمدید اشتراک شماره اشتراک :

مدت اشتراک : شش ماهه یک ساله تاریخ :

Name: نام :

Address: نشانی :

.....
.....
.....
.....

فرم را همراه با بهای اشتراک (حواله بانکی یا تمبر)
به آدرس فوق پست کنید!

I.G.e.v : دارنده حساب

22 44 20 32 : شماره حساب

37 05 01 98 : کد بانک

Stadtsparkasse : نام بانک

Köln

Germany